

An Analysis of Existential Approaches to "Money" Based on The Views of Allamah Tabatabai and Simmel

Mohammad Rahimi*
Seyed Aqil Hoseiny**
Hosin Hasanzadeh Sarvestani***

Received: 12/01/2019

Accepted: 08/04/2019

Abstract

The issue of the "nature of money" has always been a source of controversy among scientists. The position adopted in this area has significant implications for the design of a desirable monetary system and macroeconomic policies. This paper, by means of descriptive-analytic method, has collected the common definitions of money and after extracting the rational order between them has drawn the semantic system of money and proved the necessity of paying attention to the existence of money. Then, two realistic and idealist approaches are analyzed as two existential approaches to money. In the idealist school, and in particular from Simmel's point of view, the initial emergence of money coincides with the creation of a subjective value and a relative instrument, but it evolves and becomes an absolute value. In the school of realism, and in particular from the point of view of Allamah Tabatabai, the basic credit identity of money signifies its being temporary, variable, relative, and unnecessary, but with a change of credit, it gains some semblance of truth, which indicates sustainability, stability, relevance and necessity. Finally, an explanation of the creation of money based on the existence of money is presented to illustrate the higher capacity of existential approach in comparison to the two conventional theories of commodity money and credit money.

Keywords

Money; Nature of Money; Existential Form of Money; Commodity Theory of Money; Credit Theory of Money.

JEL Classification: E42, N10.

* M.A. in Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). moh.rahimi@isu.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, Iran. aqil.hoseiny@yu.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Finance, Faculty of Islamic Studies and Management, and Guiding Professor of Resistance Banking, Growth Center, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. h.hasanzadeh@isu.ac.ir

تحلیلی از رویکردهای وجودی به «پول» با تکیه بر نظریات علامه طباطبایی (ره) و زیمل^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۱ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

محمد رحیمی*

سید عقیل حسینی**

حسین حسن زاده سروستانی***

چکیده

مسئله «ماهیت پول» همواره محل مناقشات بسیاری بین اندیشمندان بوده است. موضع اتخاذ شده در این زمینه دارای دلالت و اثرات اساسی بر طراحی نظام پولی مطلوب و سیاست‌گذاری‌های کلان پولی است. در این راستا در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی معانی رایج پول گردآوری شده و پس از استخراج نظم منطقی بین آنها، نظام معنایی پول ترسیم و ضرورت پرداختن به حیث وجودی پول اثبات می‌گردد، سپس دو رویکرد رئالیستی و ایده‌آلیستی، به‌عنوان دو رویکرد وجودی به پول تحلیل می‌شود. در مکتب ایده‌آلیسم، و به‌طور خاص از منظر زیمل، پیدایش اولیه پول از خلق سوئزکتیو ارزش و ابزار نسبی آغاز می‌شود لکن تکامل یافته و به ارزش و غایت مطلق تبدیل می‌شود. در مکتب رئالیسم و به‌طور خاص از منظر علامه طباطبایی، هویت اعتباری ابتدایی پول دال بر موقتی، متغیر، نسبی و غیرضروری بودن است، ولی با تغییر اعتباری، هویت حقیقت‌نمایی پیدا می‌کند که دال بر دوام، ثبات، اطلاق و ضروری بودن است. در نهایت برای نشان دادن ظرفیت بالاتر رویکرد وجودی در مقایسه با دو نظریه متعارف پول کالایی و پول اعتباری، تبیینی از خلق پول مبتنی بر حیث وجودی پول ارائه شده است.

واژگان کلیدی

پول؛ ماهیت پول؛ حیث وجودی پول؛ نظریه کالایی پول؛ نظریه اعتباری پول.

طبقه‌بندی JEL: E42, N10

*دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده)

moh.rahimi@isu.ac.ir

(مسئول)

**استادیار گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، کهگیلویه و بویراحمد، ایران

aqil.hoseiny@yu.ac.ir

***استادیار گروه مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

h.hasanzadeh@isu.ac.ir

مقدمه

گسترده‌گی پول در زندگی روزمره ما به قدری است که به پدیده‌ای ضروری تبدیل شده است و بدون آن، زندگی اجتماعی عملاً غیرممکن است. به عنوان مثال برای خرید کالاها و خدمات و دارایی‌ها، پرداخت بدهی‌ها، دستمزد، سود و بهره مورد استفاده قرار می‌گیرد. با وجود این «گسترده‌گی»، تعریف سطحی و ساده‌ای از آن بین عموم افراد نهادینه شده است. از سوی دیگر پول به مثابه یک پدیده اجتماعی، دارای وجوه مختلفی است که هر وجه از آن در چند سطح مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت، تعاریف متفاوتی را نتیجه خواهند داد. سطوح و ابعاد مختلف پول، موجب «پیچیدگی» و دشواری فهم آن می‌گردد. به طور خلاصه، دو ویژگی «پیچیدگی» و «گسترده‌گی» موجب ابهامی در فهم پول می‌گردد. تلاش عده‌ای در جهت ساده‌سازی آن، منجر به نقصان در شناخت دقیق و عمیق گردیده است. رویکردهای تکنیکال اقتصادی و تعاریف کارکردی و عملیاتی از پول ذیل چنین تلاش‌هایی شکل گرفته است. در مقابل، عده‌ای دیگر با اذعان پیچیدگی ابعاد پول، سعی نموده‌اند از این ساده‌سازی‌ها عبور نمایند. رویکردهای ماهوی که سعی در شناخت ماهیت و هویت پول دارند، ذیل این نگاه شکل گرفته‌اند.

مقاله حاضر درصدد ارائه تعریف عمیق و دقیق از پول است. برای این امر، ابتدا نظامی از معانی مختلف پولی ترسیم شده و سپس بر وجهی که می‌توان شناخت پول را تعمیق و تدقیق بخشید، تمرکز می‌نماییم. در جهت ترسیم نظام معنایی پول، وجوه اشتراک و اختلاف تعاریف موجود شناسایی شده و ضمن دسته‌بندی مجموعه تعاریف، و با ایجاد روابطی منطقی بین آنها، نظامی از معانی مختلف پول ترسیم شده است. با نظر داشتن به کلیتی از معانی موجود، مشخص می‌شود که اختلاف در تعاریف پول، ناشی از مبانی فکری مختلف اندیشمندان است و به موجب این اختلاف مبانی، تعاریف در سطوح مختلفی ارائه شده‌اند. بر این اساس، دو روش کلی برای مواجهه با پول قابل ترسیم است: روش علمی و روش فلسفی است. این تفکیک، مبنای اولیه نظام معنایی را شکل می‌دهد. در روش علمی دو نگاه کمی و کیفی به پدیده‌ها تشریح می‌شود و در روش فلسفی، پدیده از دو حیث ماهوی و وجودی نگریسته می‌شود. با جدایی روش علمی از روش فلسفی به عنوان مبنای اولیه و تقسیمات بعد از آن، چارچوبی منطقی از رویکردهای مختلف ترسیم

می‌گردد؛ سپس، تعاریف موجود پول در هر یک از شقوق قرار می‌گیرند و ماحصل این جایگذاری، نظامی از معانی مختلف پولی است که تعریف جامع و کاملی ارائه می‌کند. عموم نظریات و ایده‌های حول تعریف پول، فهم رایج و ثابتی را القا می‌کنند و پول، به‌عنوان یک مقوله واقعیت یافته، مورد مطالعه قرار می‌گیرد در حالی که پول یک مفهوم پویاست و اساساً حیات آن وابسته به پویایی و دگرگونی است. بدین منظور سعی داریم، برخلاف تعریف سطحی و رایج، تعریف عمیقی ارائه گردد که تکوین وجودی پول و روند رشد آن را تفسیر نماید. چنین نگاهی را می‌توان با مبانی مکاتب فلسفی مختلفی تحلیل نمود، ولی به‌لحاظ حفظ انسجام و پیوستگی تحلیل، دو دستگاه فلسفی ایده‌آلیسم آلمانی و رئالیسم را برگزیدیم و از این جهت که هر دستگاه فلسفی چارچوب تحلیلی خاص و منسجمی دارد، لذا در چارچوب هر یک، به‌نحو مجزا گسترده‌گی پدیدار پول تشریح می‌گردد. در چارچوب تحلیل ایده‌آلیسم آلمانی، بر اندیشه زیمل (۱۹۱۸-۱۸۵۸ میلادی) تمرکز داشته‌ایم که در این باب تألیف مستقلی به‌جای گذاشته است و در چارچوب تحلیل رئالیسم، بر اندیشه حضرت علامه طباطبایی (ره) (۱۳۶۰-۱۲۸۱ شمسی) تأکید داشتیم که برای تشریح پدیده‌های اعتباری اجتماع، نظریه تحت‌عنوان «نظریه اعتباریات» ابداع نموده است.

۱. پیشینه تحقیق

سبحانی و قائمی‌نیا (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (ره)»، با تمرکز بر اعتباریات علامه طباطبایی (ره)، تفسیری از پول در اقتصاد اسلامی ارائه نموده‌اند. این تحقیق سعی داشته مبتنی بر نگاه اعتباری به پول، دلالت‌های قابل‌توجهی برای اقتصاد اسلامی ارائه نمایند. ماحصل این تحقیق، نشان می‌دهد که سیاست پولی به معنای دادن نقش فعال به پول و خلق آن بدون توجه به بخش واقعی و باهدف تأمین مالی دولت مورد تأیید نیست.

سبحانی و درودیان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی انتقادی رویکردهای موجود در هستی‌شناسی پول؛ ارائه تفسیری بدیل»، سعی داشته‌اند تفسیری بدیل از پول ارائه نمایند و از این جهت، با پذیرش نظریه اعتباری پول، تفکیکی بین دو سطح تلقی از

پول ایجاد می‌کنند. آنها تفکیکی میان معنای جوهری، یعنی «مفهومی برای اندازه‌گیری ارزش» و فهم صحیح عرفی، یعنی «نشانگری از طلبی معتبر به سبب مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر» قائل می‌شوند و مدعی هستند که با لحاظ این تفکیک، نقص موجود در نظریه اعتباری رفع می‌شود.

کميجانی، عربی و توسلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول»، درصدد ارائه و نقد دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول برآمده‌اند. آنها با ابراز نارضایتی از این نظریات، ارائه نظریات جدیدی درباره ماهیت پول در اقتصاد اسلامی را لازم می‌شمارند. در تحقیق حاضر نیز به این دو نظریه اشاره شده است، ولی نقدی بر آنها وارد نکردیم؛ چراکه هر یک، تا حدی می‌توانند واقعیت‌های اقتصادی را هرچند ناقص، توضیح دهند و از آنجاکه اساساً به دنبال تحلیل جامع‌تر هستیم، این تعاریف را مدنظر قرار داده‌ایم تا نکات موردقبول آنها در نظریه نهایی لحاظ گردد.

مجاهدی مؤخر، دلالی اصفهانی و صمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار»، مفهوم پول را با تأکید بر کارکرد پولی، از دو منظر غربی و اسلامی بررسی می‌کنند و مدعی هستند اگرچه اشتراکاتی بین آنها وجود دارد، ولی تفاوت‌هایی در نگرش هر یک به چیستی و کارکرد پول وجود دارد که به نتایج متضادی منجر می‌شود. آنها پول را از سنخ پدیده‌های قابل مشاهده عینی و یا مقوله‌ای ذهنی نمی‌دانند، بلکه پول را جعل یک حقیقت عینی یا ارتکاز ذهنی می‌دانند. با این توضیح، پول یک قرارداد اجتماعی است که علی‌رغم تفاوت در مصادیق بیرونی، ولی تصویر یکسانی در ذهن تمام آحاد جامعه ایجاد می‌کند.

لاوسن^۲ (۲۰۱۸) در اعلام انتقادات خود نسبت به کتاب «ماهیت پول» اینگهام^۳ پژوهشی با عنوان «شکل‌گیری و ماهیت پول» انجام داده است. منظور لاوسن از ماهیت پول به صورت مختص خود پول است و خصوصیت‌های جانبی و هرگونه خصلت مرتبط با آن را در ماهیت دخالت نمی‌دهد. او در نهایت ماهیت پول را در «برائت ذمه»^۴ و «قدرت خرید»^۵ خلاصه می‌کند و بر این باور است که پول با این دو خصوصیت می‌تواند کارکرد پولی خود را محقق سازد. البته نویسنده اقرار می‌کند که چارچوب‌های اجتماعی که

موجب واقعیت پیدا کردن پول می‌شود نباید نادیده گرفته شود ولی جوهره پول در همان دو خاصیت خلاصه می‌شود.

۲. مبانی نظری تحقیق؛ تفکیک اساسی در نظام معنایی پول

برای تأسیس نظام معنایی پول، مبتنی بر تفکیک علم از فلسفه، تفکیک دو وجه علمی از وجه فلسفی پول را مبنا قرار می‌دهیم.

۲-۱. روش علمی

در جریان پیدایش علوم اجتماعی، ابتدا فیزیک‌دانان با روش‌های علمی به تحلیل مسائل این حوزه پرداختند. بخشی از مطالعات با این روش، بر اندازه‌گیری کمی روابط علی بین متغیرها تأکید دارند (Michell, 1999, pp. 4-15). اندازه‌گیری این متغیرها به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود. در تحلیل‌های کمی به روش اندازه‌گیری مستقیم، صرفاً ارتباط موجود بین اعداد و اشیاء تبیین می‌شود، ولی محققان در روش اندازه‌گیری غیرمستقیم به دنبال ایجاد ارتباطاتی بین متغیرهای مختلف هستند (Balnaves & Caputi, 2001, p. 46). برای اندازه‌گیری مستقیم، در نگرش کمی به پول، عموماً به محاسبه متغیرهایی از قبیل M_1 (مسکوکات)، M_2 (سپرده‌های دیداری)، M_3 (سپرده‌های بلندمدت) و ... می‌پردازند (Mishkin, 2010, p. 60). در این نگاه، اندازه‌گیری غیرمستقیم به تعریف و اندازه‌گیری مؤلفه‌هایی می‌پردازد که در نسبت با پول معنا می‌یابند.

بخش دیگر مطالعات با روش علمی، برخلاف رویکردهای کمی‌گرایانه، با روش‌شناسی متفاوتی تحت عنوان «روش‌های کیفی» انجام می‌شود (Haig, 2014, p. 3). تحقیقات کیفی بر کیفیت مؤلفه‌ها و فرایندها و معانی تأکید می‌شود که به لحاظ آزمایشگاهی، قابل امتحان نیستند و با مقدار، کمیت، شدت و تکرار، اندازه‌گیری نمی‌شوند (Denzin & Lincoln, 2011, p. 8). تحلیل داده‌های کیفی عموماً با دو رویکرد کل‌نگرانه و جزءنگرانه انجام می‌شوند (Flick, 2014, p. 5). در نگاه کیفی به پول، با رویکرد کل‌نگرانه می‌توان بر مفهوم کلی پول در گستره تاریخ پرداخت که نقش پول را ایفا کرده‌اند و با رویکرد جزءنگرانه، بر نقش‌های پول تمرکز می‌شود و به اصطلاح، کارکردهای پول بررسی می‌شوند (Ingham, 1996, p. 251). پول علاوه بر اینکه «شمارنده‌ای»^۶ برای

اندازه‌گیری قیمت است (واحد سنجش)، دو کارکرد اصلی «واسطه‌ی مبادله»^۷ و «ذخیره ارزش»^۸ را نیز ایفا می‌نماید (Graziani, 2003, p. 5).

۲-۲. روش فلسفی

در روش فلسفی، برخلاف روش علمی که بر آثاری محسوس منبعث از یک پدیده تأکید دارد، در سطح عمیق‌تری با خود پدیده مواجهه صورت می‌گیرد. در این روش، پدیده همچون امر واحدی در نظر گرفته می‌شود که دو مفهوم «وجود» و «ماهیت» از آن قابل انتزاع است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص. ۱۷). بر این اساس، در روش فلسفی تفسیر هر پدیده، از دو حیث وجودی و ماهوی قابل تحلیل است. در این بخش، ابتدا با توجه به حیث ماهوی، به بیان دو نظریه متعارف درباره «ماهیت پول»، بستر طرح نگاه نوینی به پول فراهم آید. با این نگاه، تکوین و روند رشد پول از حیث وجودی تفسیر می‌گردد.

۲-۲-۱. حیث ماهوی پول

ماهیت پول، یکی از مسائل اصلی و عمده‌ای است که تا به امروز در اقتصاد مدرن، مورد بحث و منازعه است. به تبع این مسأله، سؤال‌هایی مانند «پول چیست؟»، «ارزش پول از کجا می‌آید؟» و «پول چگونه ایجاد می‌شود؟» مطرح می‌شوند. تبیین این مسائل، متفاوت از تعریف پول با روش علمی است که از آن طریق، مصادیق مختلف یا کارکردهای پولی تشریح شوند، بلکه بررسی ماهیت پول با روش فلسفی منجر به دو رویکرد متعارف متالیسم^۹ و چارتالیسم^{۱۰} شده است. اگرچه ریشه این تقسیم‌بندی را می‌تواند تا اندیشه‌های ارسطو و افلاطون ردیابی کرد، ولی برای اولین بار ناپ^{۱۱} در سال ۱۹۰۵ میلادی، این تقسیم‌بندی را صریحاً مطرح نمود (Rossi, 2007, p. 9).

در نظریه متالیسم، با تبیین کالایی از پول، از این جهت که نیاز به واسطه‌گری در بازار بسیار است، لذا پول با ایفا کردن این نقش به مثابه انباره و ذخیره ارزش در هر دوره‌ای در شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود (Fisher, 2006, p. 16). از این نگاه، پول مخلوق بازار است. در مقابل این نگاه هترودکس، رویکرد چارتالیستی مطرح می‌شود. این رویکرد تفاوت‌هایی جدی در مقایسه با رویکرد متالیستی در تبیین خاستگاه پول، ماهیت پول، جایگاه دولت در معنای عام آن و نحوه عملکرد پول دارد. رویکرد چارتالیستی یا پول

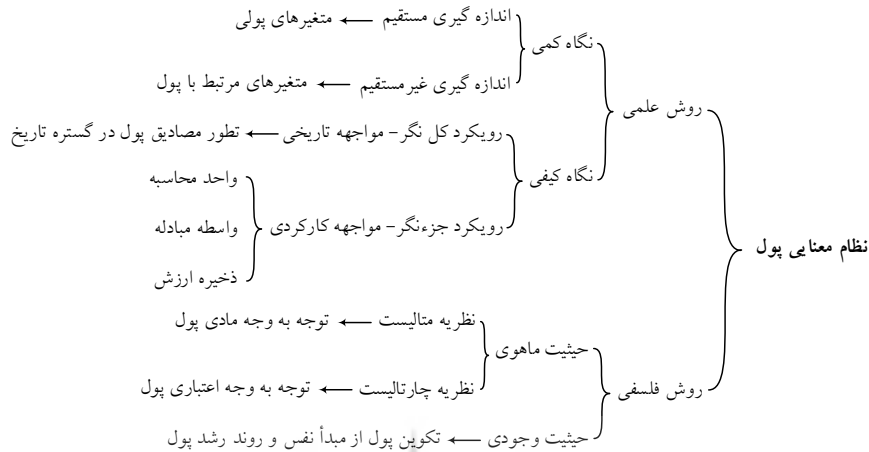
دولتی، اولین بار توسط جورج فردریش ناپ^{۱۲} اقتصاددان آلمانی در سال ۱۹۰۵ میلادی در کتاب «نظریه دولتی پولی»^{۱۳} مطرح شده است (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص. ۳۰). برخلاف نظریه متالیسم که پول را مخلوق بازار می‌داند، از منظر چارتالیستی، پول مخلوق قانون است؛ به این معنا که رفتار قاعده‌مند افراد جامعه به پول اعتبار می‌دهد (Knapp, 1924, p. 40). در این نظریه بین دو وجه «اعتباری» و وجه «فیزیکی» پول تفکیک ایجاد می‌شود.^{۱۴} در اصل، ماهیت پول به وجه اعتباری آن دانسته می‌شود. مارکس نیز به این تفکیک توجه دارد و بیان می‌کند: «قیمت یا شکل پولی کالاها، مانند ارزش آنها به‌طور کلی، از شکل ملموس مادی و واقعی‌شان کاملاً متمایز شده و شکلی کاملاً ذهنی و مجازی است (مارکس، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۲). خلاصه‌ی این دو نظریه در جدول (۱) بیان شده است.

جدول (۱): خلاصه نظریه متالیسم و چارتالیسم

نظریه چارتالیسم	نظریه متالیسم	
وجه اعتباری پول	وجه فیزیکی (مادی) پول	ماهیت پول
پول مخلوق قانون؛ رفتار قاعده‌مندی افراد جامعه	پول مخلوق بازار	منشأ پول
واحد انتزاعی محاسبه ارزش	واسطه مبادلات	کارکرد محوری پول

منبع: یافته‌های تحقیق

پس از تعریف پول با روش علمی، به روش فلسفی پرداخته شد. در بررسی فلسفی پول از حیث ماهوی، به هر یک از دو نظریه متالیسم و چارتالیسم اشاره شد. با توجه به ابعاد و وجوه مختلف پول و لحاظ پیچیدگی مفهوم پول، تعاریف متعددی ارائه شدند. با ترسیم روابط منطقی و منظم بین این تعاریف، نظام معنایی پول ترسیم می‌گردد که به‌صورت نموداری در ذیل نمایش داده شده است.



نمودار (۱): نظام معنایی پول

منبع: یافته‌های تحقیق

ضمن ترسیم نظام معنایی پول، مشخص گردید که از یک سو، به چه وجهی از پدیدار پول می‌پردازیم و از سوی دیگر، ادبیات رایجی پیرامون مواجهه وجودی با پول مطرح نبوده و بدیع به نظر می‌رسد.

۲-۲-۲. حیث وجودی پول

توجه به تکوین وجودی پول از اساس با نظریه متالیستی متفاوت است؛ علی‌رغم قرابتی که با نظریه چارتالیستی دارد، ولی متفاوت از آن است. نظریه متالیستی علت اعتبار یافتن پول را به جوهر مادی پول نسبت می‌دهد، اما نظریه وجودی، اساساً به دنبال علت آن نیست، بلکه دلیلی برای این امر قائل است. با اینکه نظریه چارتالیستی در کاوش دلیل اعتبار یافتن پول، به منشأ اجتماعی آن رجوع می‌کند، ولی در سطح مواجهه وجودی، «نفس انسانی» به عنوان مبدأ تحلیل قرار می‌گیرد؛^{۱۵} زیرا پیش از آنکه انسان در زندگی اجتماعی در قبال مبادله اشیاء، پول بپردازد، زمینه اعتبار یافتن پول در نفس او لحاظ می‌شود. در مجموع، تفاوت اصلی تعریف پول از حیث وجودی، تفاوت در سطح مواجهه است که توجه به این حیثیت، در سطح نسبتاً عمیق‌تری با پول مواجهه صورت می‌گیرد.

در ادامه، با این سبک از مواجهه، چگونگی اعتبار یافتن پول و روند تکامل آن، در دو رویکرد ایده‌آلیستی و رئالیستی تشریح می‌شود.

۲-۲-۱. رویکرد ایده‌آلیستی به پول؛ زیمل

در فلسفه آلمان جنبشی تحت‌عنوان ایده‌آلیسم آلمانی بروز یافت و کانت^{۱۶} در این رویکرد، نظریه خود را ایده‌آلیست استعلایی نامید. زیمل در فضای نظری کانت، پژوهشی با عنوان «فلسفه پول» را به رشته تحریر درآورد. او پدیدار پول را از اساس، در دو ساحت ذهن و عین تحلیل می‌کند. مبتنی بر نگاه زیمل، پول در هر تطوری میان این دو ساحت در تردد است و گاهی به سمت ذهن گرایش داشته و بیشتر وجود ذهنی می‌یابد و گاهی هم به سمت عین گرایش داشته و بیشتر وجود عینی می‌یابد. بر این اساس، پول در اندیشه زیمل در چارچوب «تردد بین ذهن و عین» قابل تحلیل است. بنای این چارچوب بر تفکیک سوژه و ابژه استوار بوده و در تاریخ فلسفه قابل ردیابی است. مضاف بر آن، «تحلیل پیدایش دوگانگی میان سوژه و ابژه، نقطه عزیمت تفکرات درباره خاستگاه روانی ارزش، مبادله و پول است که خود از ملزومات بازسازی خاستگاه اجتماعی نظام اقتصادی مدرن است» (واندنبرگ، ۱۳۸۶، ص ۸۷)؛ لذا مقدمتاً لازم است به تفکیک بین سوژه و ابژه پرداخته شود.

۲-۲-۱-۱. تفکیک بین سوژه و ابژه

تفکیک سوژه و ابژه برای اولین بار توسط دکارت پایه‌گذاری شد (کاپلستون، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۴). به تبع این تفکیک، در فلسفه جدید نگاه به انسان و هستی تغییر یافته و انسان به مثابه سوژه^{۱۷} در مقابل هستی ایستاده و آن را به مثابه ابژه^{۱۸} می‌نگرد و در صورت تطبیق آن با نفس‌الامر به شناخت صحیح راه یافته است. از این پس، هر یک از فلاسفه سعی بر تبیین این دو مقوله داشته تا بتوانند، نسبتی بین آنها ترسیم نمایند. کانت با استدلال علیه شناخت نفس‌الامری، مدعی است:

«تاکنون این‌گونه تصور می‌شود که هر آنچه می‌شناسیم، باید مطابق با اشیاء باشد؛ اما همه تلاش‌ها در جهت گسترش شناخت اشیاء از طریق وضع مفاهیمی در ارتباط با آنها به‌نحو پیشینی، بی‌حاصل مانده است. بنابراین

باید آزمود که اگر اشیاء، مطابق با شناخت ما شوند، مابعدالطبیعه در نقش خود موفق‌تر نخواهند شد؟ (Kant, 1965, p.22).

کانت با نفی امکان شناخت نفس‌الامر اشیاء، به حیات مابعدالطبیعه سنتی از نفس افتاده در غرب پایان داد و راه تازه‌ای پیش روی فلسفه گشود که به بیان خود او «انقلاب کپرنیکی» خوانده شد (طالب‌زاده، ۱۳۹۶، صص. ۱۵۳-۱۵۴). وی همواره بر این نکته تأکید دارد که اشیاء فی‌نفسه با شهودهای حسی ما قابل‌شناسایی نیستند. آنچه برای ما قابل‌درک هستند، فنومنال (پدیداری) هستند که به‌عنوان مفاهیمی از جهان که فقط و فقط برای عقل قابل‌درک هستند (Pippin, 2014, p. 422). در نتیجه رابطه میان پدیدارها یا بازنمودها با ابژه‌های بازنمایی شده، به‌صورت حقیقتی هنجاری است و از اساس باید میان نظام امور واقع و همیشگی تجربه و قانون‌گذاری‌های شخصی و ذهنی‌مان درباره چگونگی باورها، تفاوت قائل شویم (پینکارد، ۱۳۹۴، ص. ۴۶). در نتیجه این تفاوت، باید خاطر نشان کرد که اشیاء واقعی، نه چیزی را بازنمایی می‌کنند و نه نشان‌دهنده یا بیانگر چیزی هستند؛ به‌عبارت‌دیگر بازنمودهای ما «آینه طبیعت» نیستند بلکه واقعیت اشیاء در طبیعت به‌نحو نامتعیّن موجود هستند و فقط با عمل شناختی ما متعیّن می‌شوند (پینکارد، ۱۳۹۴، ص. ۵۳). در نتیجه، کانت به‌گونه‌ای نسبت میان سوژه و ابژه را تبیین نمود که در نهایت به تفکیک اساسی ارزش و واقع ختم گردید.

۲-۲-۱-۲-۲. مراحل تکوین و تکامل پول
اکنون در چهار فاز متوالی، مبتنی بر مبادی اندیشه‌ای فوق، به نگرش وجودی زیمل به مقوله پول پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱-۲-۲. فاز اول: شکل‌گیری ارزش سوژکتیو
زیمل پایبند به مشرب فکری ایده‌آلیسم، اذعان به تفکیک واقعیت^{۱۹} از ارزش^{۲۰} داشته و بر این عقیده است که اجزای جهان طبق قانون طبیعی یکدست، به‌نحو منظم و برابر، کنار هم قرار گرفته‌اند و واقعیتی رقم می‌خورد؛ اما انسان این نظم و برابری را نمی‌پذیرد و درصدد است با نظام ارزشی^{۲۱} مدنظر خود، نظم جدیدی ایجاد کند و به‌موجب آن، نظم

طبیعی اشیاء و برابری آنها از بین می‌رود؛ لذا ارزش اشیائی که عینیت یافته‌اند، از وجود طبیعی آنها استنباط نمی‌شود، بلکه از نظمی انسانی و خودمدار برآمده است (Simmel, 1990, pp. 58-59). به عبارت دیگر، سوژه با ادراک فاصله میان خود و اشیاء، می‌کوشد بر این فاصله فائق آید (واندنبرگ، ۱۳۸۶، ص. ۸۸). مقصود از فاصله میان خود و اشیاء، مقاومتی است که ابژه در مقابل سوژه نشان می‌دهد یا به تعبیر سوپژکتیو، طلبی است که سوژه، ابژه را تقاضا می‌کند. در نهایت محتوای طلب سوژه، به مثابه یک «ارزش» خلق می‌شود. ویژگی شاخص ارزش - همچنان که در تضاد با واقعیت قرار می‌گیرد - سوپژکتیویته^{۲۲} است.^{۲۳} آن‌چنان‌که مشخص است، تحلیل زیمل از شکل‌گیری ارزش در فضای اندیشه کانتی قرار می‌گیرد و سوژه به‌عنوان تنها مبنای ارزش‌گذاری محسوب می‌شود. طی تحلیل مذکور، ضمن پایبندی به تفسیر پول از حیث وجودی، «ارزش ذهنی» از مبدأ نفس انسانی خلق گردید. در فاز بعدی ارزش خلق‌شده در فضای سوپژکتیو، عینیت می‌یابد.

۲-۲-۱-۲-۲-۲. فاز دوم: عینیت یافتن ارزش در قالب پول

همچنان بر سر این موضوع اختلاف بوده و هست که آیا اشیاء ارزش ذاتی دارند یا اینکه اساساً ارزش امری نسبی است و در فضای ذهنی افراد تعیین می‌شوند. زیمل از جمله افراد معتقد به نسبییت ارزش است؛ به این معنا که ارزش یک شیء در نسبت با اشیاء دیگر تعیین می‌شود. بر این اساس، «زمانی ارزش عینیت می‌یابد که یک شیء در مقابل شیء دیگر مبادله شود و در این صورت، اعتبار شیء از سوژه فردی فراتر می‌رود» (Simmel, 1990, p. 79). پرواضح است که عینی کردن میل، شرط لازم مبادله است، زیرا تنها وقتی میل، عینیت می‌یابد که شیئی که من به آن میل دارم ممکن است مورد تمایل دیگری هم باشد و بدین ترتیب از طریق مقایسه اشیاء مورد تمایل است که شیئی ارزش معین کسب می‌کند (واندنبرگ، ۱۳۸۶، ص. ۸۹). این مقدمه چنین نتیجه‌ای را در بردارد که میل سوژه به سمت ابژه (در فاز قبلی) دلالت بر تعین ارزش ندارد، بلکه ارزش اشیاء مختلف در بستر مبادله، در مقابل هم، قیاس می‌شوند. در اقتصاد نیز، ارزش‌گذاری اشیاء از طریق مبادله انجام می‌شود (Simmel, 1990, p. 77). آن‌گونه که زیمل شرط عینیت

یافتن ارزش را مبادله می‌داند، مارکس این ویژگی محصولات انسانی را در فرایند کالایی شدن، بُت‌وارگی ارزش کالا توصیف می‌کند. به عبارت تفصیلی‌تر، مارکس (۱۳۹۴) ارزش اشیاء را ناشی از ماهیت طبیعی اشیاء نمی‌داند بلکه ارزش در نظر او، تنها در رابطه اجتماعی میان انسان‌ها نمو می‌یابد. محصولات دست‌انسان، در جهان کالا، مَتَّصِف به بت‌وارگی می‌شوند و از طریق مبادلهٔ بین افراد ارزش می‌یابند.

در این فاز تشریح گردید که میل سوژه در بستر مبادله، عینیت پیدا می‌کند؛ اما روند عینیت یافتن ارزش همچنان ادامه دارد. ورود ارزش به عرصه عینیت، فردیت امیال را درمی‌نوردد و به امری فزادنی^{۲۴} بدل می‌گردد و از این‌پس، نمادی در عرصه اجتماع برای آن اعتبار می‌شود. در نتیجه، در مبادلات متعارف بازار، هر آنچه که «ارزش انتزاعی» را مجسم می‌سازد، به‌عنوان «پول» شناسایی می‌شود.

۲-۲-۱-۲-۳. فاز سوم: سوژکتیو شدن پول

پس‌ازاینکه ارزش نسبی ابژه‌های اقتصادی در نماد پول تکوین یافت، روند تکامل وجودی پول آغاز می‌گردد و با این رشد، پول به تدریج از عرصه ابژکتیو رخت می‌بندد و به عرصه سوژکتیو رهسپار می‌شود. ابتدا، ضمن برقراری رابطهٔ مستقیم، ارزش مبادله‌ای ابژه‌ها توسط پول سنجیده می‌شد. این رابطه مستقیم ایجاب می‌کرد که پول دارای جوهر مادی ارزشمندی باشد که بی‌واسطه تجربه‌شده باشد؛ اما در عصر حاضر، هر چه خدماتی که پول انجام می‌دهد، گسترده‌تر و متنوع‌تر شود و سرعت گردش پول افزایش یابد، ارزش کارکردی بر ارزش مادی‌اش، غلبه پیدا می‌کند (Simmel, 1990, pp. 141-142)؛ به تبع این توسعه کارکردی، وابستگی پول به جوهر مادی بیش‌ازپیش کاهش می‌یابد (Simmel, 1990, p. 198)؛ در نهایت کارکرد پول از ماده آن جدا می‌شود و ارزش پول به کارکردش منتقل می‌شود. به عبارت دیگر پول به «نمادی مطلق» تبدیل می‌شود. مارکس، از این تبدیل به دگرذیسی کالایی یاد می‌کند و متذکر می‌شود «کالایی که به‌عنوان پول انتخاب گردیده بود، صورت واقعی‌اش را از دست می‌دهد و به شیء مفیدی تبدیل می‌شود یا به اصطلاح وجود کارکردی آن وجود مادی‌اش را جذب می‌کند» (مارکس، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵). با این سیر رشد، حیثیت ابژکتیو پول بسیار کاهش می‌یابد و در این حین، پول مجدداً مستعد

می‌گردد که به حیات سوژکتیو رجوع نماید و در حیات ابژکتیو با قوت بیشتری ظهور نماید.

۲-۲-۱-۲-۲-۴. فاز چهارم: تبدیل پول از ابزار مطلق به غایت مطلق

با اینکه در مراحل قبلی، پول از دوگان سوژه و ابژه فراتر رفته و بروز اجتماعی یافته بود، ولی در تحلیل رجوع سوژکتیو و ظهور ابژکتیو پول مجدداً از این دوگان آغاز می‌کنیم:

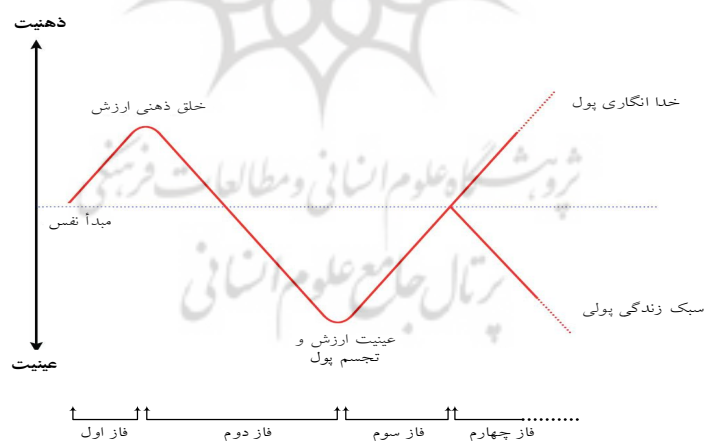
۲-۲-۱-۲-۲-۱. رجوع سوژکتیو

ابتدا پول به مثابه یک «ابزار»، میان سوژه و ابژه مداخله می‌کند و موجب تحقق هدفی نهایی می‌شود که بی‌واسطه قابل تحقق نمی‌بود (Simmel, 1990, p. 210). هدف نهایی، ارزش مطلق دارد ولی ابزار دارای ارزش نسبی است. ارزش نسبی ابزار از طریق فرم «زنجیره غایات»^{۲۵} از هدف نهایی و به مراتب، از اهداف پایین‌تر نشئت می‌گیرد. شمار اشیائی که با پول، به مثابه ابزاری محض، فراهم می‌شوند، دائماً در حال افزایش است و به موجب آن کیفیات مختلف از پول زدوده می‌شوند؛ به این معنا که پول از محدودیت‌ها آزاد می‌شود و به تبع آن، بر قدرت پول در ارتباط با اشیاء افزوده می‌شود (Simmel, 1990, p. 232). در اثر آن پول که نسبت ارزش را می‌نمود، به ابزار مطلق تبدیل می‌شود که زمینه رهسپار شدن آن به سمت هدف مطلق را فراهم می‌آورد.

پول با وارونگی وسیله به هدف، از شأن ابزاری خارج شده و تبدیل به هدفی می‌شود که امور دیگر در شأن وسیله‌ای برای تحقق آن، به کار گرفته می‌شوند؛ چراکه از حیث روان‌شناختی به عنوان نمادی برای تنظیم زندگی عملی تثبیت شده است. همین که پول به منزله هدف تلقی می‌گردد، در یک حلقه از زنجیره غایات متوقف نمی‌ماند، بلکه از آن زنجیره، مرحله‌مرحله ترقی یافته تا اینکه در جایگاه «هدف غایی» قرار می‌گیرد. زیمل به نقل از ساخس^{۲۶} تعبیر جالبی در توصیف این واقعه دارد: «پول در این دنیا خدای زمینی است» (Simmel, 1990, p. 238). در نتیجه، پول به مثابه نقطه وحدت‌دهنده زنجیره‌های بی‌شمار غایات، قرابت روان‌شناختی بسیاری با مفهوم «خدا» پیدا می‌کند و موجب «خدا انگاری پول» می‌گردد.

۲-۲-۱-۲-۲-۲. ظهور ایزکتیو

به موازات رجوع پول به موضع سوپراکتیو و فتح قله غایی زنجیره اهداف، پول در عرصه عینیت نیز توفیق گسترده‌ای می‌یابد تا حدی که «سبک زندگی» خاصی را رقم می‌زند. از آنجاکه ارتباط انسان با هستی، با واسطه‌گری ابزارها ممکن است و پول نیز به‌عنوان وجه مشترک بسیاری از فعالیت‌ها قرار می‌گیرد (Simmel, 1990, pp. 434-435). در جامعه‌ای که پول مایه یگانگی و حاکمیت است، روابط میان انسان‌ها عینی، کارکردی، ابزاری، غیرشخصی و از لحاظ عاطفی خنثی هستند. در قرن هیجدهم نهادی شدن اقتصاد موجب تشدید فرایند فردی شدن جامعه گردید. افراد این جامعه جز مقاصد سوداگری، وجه مشترک دیگری نداشتند. اگرچه اقتصاد پولی زمینه‌رهایی از محدودیت‌های برآمده از وابستگی به جوامع مکانیکی را فراهم می‌کند (Vondenbergh, 2009, p. 88). بدین ترتیب، وقتی پول بر ذهنیت انسان مسلط می‌شود و رفتار و همه روابط او بر محور آن تنظیم می‌شوند، همه فعالیت‌های انسان به تعین پولی تشخص می‌یابند؛ یعنی هر فعالیتی رنگ پولی به خود می‌گیرد و پول می‌تواند از اساس، سبکی برای زندگی انسان رقم بزند. به‌صورت نمادین، روند تکوین و رشد پول در نمودار (۲) نشان داده می‌شود.



نمودار (۲): روند تکوین و رشد پول

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل زیمیل از روند تکوین و رشد پول، در چارچوب «تردد بین ذهن و عین»، برآمده از مکتب فکری ایده‌آلیسم ارائه گردید. در این مکتب، اصالت به ذهن یا تصور داده می‌شود، درحالی‌که در مکتب رئالیسم اصالت به واقعیت خارجی داده می‌شود، (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۵۸). در ادامه، مبتنی بر اصول مکتب رئالیسم به تحلیل پدیدار پول از حیث وجودی پرداخته می‌شود.

۲-۲-۲. رویکرد رئالیستی به پول؛ علامه طباطبایی (ره)

برای تحلیل پول از حیث وجودی در مکتب رئالیسم، صرفاً بر اندیشه حضرت علامه طباطبایی (ره) تمرکز می‌شود و به صورت خاص، پول در نظریه اعتباریات ایشان، قابلیت تفسیر دقیق‌تری را داراست. مبتنی بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، موجودات به طور کلی به دو قسم حقیقی و اعتباری قابل تقسیم هستند (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، ص. ۲۰۵)؛ لذا برای تحلیل وجودی پول چارچوب «تردد بین حقیقت و اعتبار» را ترسیم نموده و سعی می‌شود ایجاد و تغییرات پول در این چارچوب تحلیل شود. اساس این چارچوب بر تفکیک موجودات حقیقی از موجودات اعتباری استوار است.

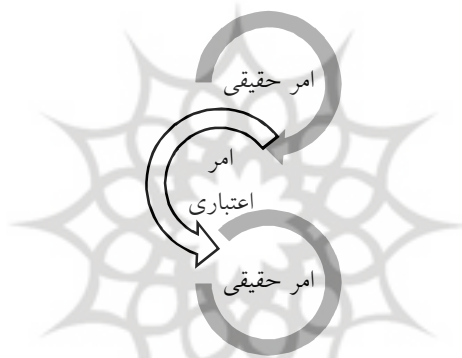
۱-۲-۲-۲. تفکیک بین موجودات حقیقی و اعتباری

از نظر علامه طباطبایی (ره)، تعقل و تصور هر معنایی از دو حال خارج نیست:

۱. موجودات حقیقی که مطابقی در خارج دارد و فی نفسه موجود است، خواه کسی باشد که آن را اعتبار و تعقل کند یا نه؛ مانند همه جواهر خارجی (جمادات و گیاهان و حیوانات و...).
۲. موجودات اعتباری که مطابقش صرفاً به سبب^{۲۷} اندیشه و لحاظ ما در خارج موجود است؛ یعنی اگر کسی نباشد که آن را تعقل و لحاظ کند، دیگر هیچ وجودی نخواهد داشت؛ مانند نسبت و رابطه مالکیت.

به طور مثال، مالکیت چیزی جز رابطه و نسبتی میان جوهر مالک (مثلاً انسان مشخص) و جوهر مملوک (مثلاً قطعه زمین) نیست. اساساً چیزی فراتر از شخص مالک و جوهر مملوک در خارج وجود ندارد که بدان مالکیت اطلاق کنیم؛ بلکه ملکیت و مالکیت صرفاً قائم به تعقل و لحاظ انسان است و اگر کسی نباشد که آن را لحاظ و اعتبار کند، دیگر

هیچ ملکیتی وجود نخواهد داشت. هر امری با این اوصاف، از دسته اعتباریات تلقی می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، صص. ۱۰۳-۱۰۴)؛ گویا اعتبار مالکیت مانند پلی است که میان حقیقت مالک و مملوک وضع می‌شود. بنابراین هر امر اعتباری از یکسو، بر امور حقیقی مترتب می‌شود و از سوی دیگر، امور حقیقی نیز بر آن مترتب می‌گردد. لذا اعتباریات میان دو امر حقیقی قرار می‌گیرند (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، ص. ۳۴۱). در نتیجه اعتباریات غیرحقیقی و غیرضروری هستند؛ یعنی خبری از حقیقت نمی‌دهند، بلکه به مثابه انشاء هستند که به موجب آنها فعلی از انسان صادر می‌شود. ارتباط میان امور حقیقی و اعتباری در شکل (۱) ترسیم شده است.



شکل (۱): ارتباط امور حقیقی و اعتباری

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۲-۲-۲. شکل‌گیری اعتباریات

اعتباریات در ذهن انسان به صورت ادراکات اعتباری ظاهر می‌شود. در مقابل این سنخ از ادراکات، ادراکات حقیقی قرار می‌گیرند که انکشاف و انعکاسات ذهنی واقعیت و نفس‌الامر هستند، اما ادراکات اعتباری، فرض‌هایی هستند که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی، قراردادی و فرضی دارد و با واقع و نفس‌الامر سروکاری ندارد (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص. ۱۳۸). ادراکات حقیقی محرک انسان نیستند، بلکه ادراک اعتباری است که انسان را به سمت فعلی سوق می‌دهد و در نهایت عمل خارجی از انسان سر می‌زند. وقتی انسان به نحو حقیقی از یکسو، نقص موجود خود و

از سوی دیگر، امکان وجود کمالی را درک می‌کند، بین این دو ادراک حقیقی، یک «ادراک اعتباری» واسط می‌شود، تا اینکه انسان از سمت نقص به سمت کمال حرکت نماید. به بیان دیگر، اعتبار کردن عبارت است از تسری حد و حکم یک شیء به حد و حکم شیء دیگر (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، صص. ۳۴۴-۳۴۶). در نتیجه میان طبیعت انسانی و آثار طبیعی و تکوینی آن، «ادراکات اعتباری» واسطه شده و به کمک آنها دستیابی به اهداف و غایات میسر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص. ۱۷۹).

بنابر آنچه بیان شد، انسان ناچار از خلق اعتبار است تا به وسیله آن نواقص خود را جبران نموده و به کمالات وجودی‌اش برسد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص. ۵۴). انسان در راه رسیدن به کمال، بر خود واجب می‌داند، هر چیزی که در این مسیر برای او مؤثر است، استخدام نماید. او به هر طریقی که ممکن است به نفع خود و برای بقای حیاتش از موجودات دیگر استفاده می‌کند و به هر سببی دست می‌زند و به همین جهت است که از ماده این عالم شروع کرده، آلات و ادواتی درست می‌کند، تا با آن ادوات در ماده‌های دیگر تصرف کند، کارد و چاقو و اهر و تیشه می‌سازد، سوزن برای خیاطی، و ظرف برای مایعات، و نردبان برای بالا رفتن، و ادواتی غیر اینها می‌سازد، که عدد آنها از حیثه شمار بیرون است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۱۷۵). اعتباری که زمینه هرگونه بهره‌مندی در مسیر رسیدن به کمال را برای انسان فراهم می‌کند، تحت عنوان «اعتبار استخدام» بیان می‌شود. استخدام یک اعتبار اساسی که در قالب‌های متفاوتی تغییر می‌یابد.

۲-۲-۲-۳. تغییر اعتباریات

از جمله ویژگی‌های مهم ادراکات اعتباری، تبعیت آنها از تغییر احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص. ۱۳۸). به عبارت دیگر، اعتبارات بسیار موقت، متغیر و غیرضروری هستند و حالت مطلق و ثابتی برای آنها قابل فرض نیست. بر همین اساس، هر مقوله‌ای که اعتبار می‌شود از بدو اعتبار شدن تا ادامه حیات اعتباری‌اش، با تغییراتی همراه است. در ادامه چهار تغییر در چارچوب حقیقت و اعتبار برای تشریح تکوین و تکامل وجودی پول بیان می‌شوند.

۲-۲-۲-۳-۱. تغییر اول: تسری اعتبار استخدام به اعتبار ملکیت

انسان برحسب نیازمندی اولی به اجتماع و مدنیت، نه تنها می‌تواند در سایه این زندگی خیر و منفعتی را برای خود جلب و شر و آسیبی را از خود دفع نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۴)، بلکه اساساً رفع نیازها و تحقق غایات انسان بدون زندگی اجتماعی ممکن نیست، لذا انسان برای رسیدن به کمال خود، لاجرم به زندگی اجتماعی تن می‌دهد و به تبع، ملزم به اعتباریات اجتماعی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص. ۲۸۵). هدایت طبیعت و تکوین انسان، فارغ از زندگی اجتماعی به اعتبار استخدام حکم می‌کند، اما بروز این اعتبار در اجتماع در قالب «اعتبار ملکیت» تغییر می‌یابد؛ به بیان دیگر، اعتبار ملکیت ریشه در اعتبار استخدام دارد.

۲-۲-۲-۳-۲. تغییر دوم: اعتبار تبدیل و خلق اعتباری پول

پس‌ازاینکه انسان با اعتبار ملکیت، ملک و املاکی را برای خود اعتبار نمود، به جهت نقل و انتقال آن اعتبار دیگری تحت عنوان «اعتبار تبدیل» را وضع می‌نماید که تکثر و تقویت مجموعه اعتبارات را موجب می‌شود. علامه طباطبایی (ره)، در توضیح این اعتبار به‌طور خاص به «اعتبار پول» اشاره می‌کنند:

«در مرتبه تالی این اعتبار (اعتبار ملکیت)، به واسطه احتیاج‌هایی که هر یک از افراد اجتماع به مواد متصرفی و به‌خصوص ملکی غیر پیدا کرده‌اند، اضطراب به اعتبار «تبدیل» پیش‌آمده و به واسطه اعتبار «مبادله» تقسیم‌های تازه‌ای به واسطه اختلاف‌های نوعی مالک و اختلاف نوعی اعیان مملوک پیش‌آمده که خاستگاه اعتبار سلسله موضوع‌های اعتباری دامنه‌دار از معاملات گوناگون و وضع احکام گوناگون برای آنها شده است؛ در نتیجه عدم تعادل نسبی میان موارد مورد مبادله، احتیاج به اعتبار «پول» پیش‌آمده که یکی از موارد مورد رغبت را واحد مقیاس برای سنجش دیگر موارد مورد حاجب قرار دهند؛ البته این اعتبار نیز یک سلسله اعتبارهای فرعی مربوطه را ایجاد می‌کند که دستگاه وضع پول طلا و نقره و اسکناس و

چک و اوراق دیگر بهادار و اعتبار و... با احکام و آثار خود نماینده آنها هستند» (مطهری، ۱۳۷۱، صص. ۴۴۵-۴۴۶).

طبق نظر علامه، پول معیاری برای به تعادل رساندن نسبت بین اشیاء مورد مبادله است و برای این مقصود، نماینده‌هایی تعریف می‌شوند. پس از تغییرات مذکور، پول اعتبار می‌گردد و از این پس، تغییراتی در پول اعتبار شده ایجاد می‌شود. این دو نوع تغییر را می‌توان به تغییرات قبل از اعتبار پول و تغییرات بعد از اعتبار پول تقسیم نمود. تغییرات بعد از اعتبار پول دو گونه هستند: نوعی از تغییر که موافق با منشأ واقعی اعتباریات صورت می‌گیرد و نوع دیگر که از موافقت با منشأ اولیه خارج می‌شود.

۲-۲-۳. تغییر سوم: انتخاب اخف و اسهل و تطور مصادیق پول

ابتدا تغییرات اعتباری موافق با منشأ واقعی آن به تدریج موجب ترقی اعتبار پول شده و با حفظ اصل خود، بروز بیرونی آن متغیر جلوه می‌کند. این تطور و تحول در همه اعتباریات در جمیع شئون انفرادی و اجتماعی انسان با «انتخاب اخف و اسهل» همراه می‌باشد. در این نوع تغییر، قوه فعاله از میان کارهای دشوار و پرنج و دیگری آسان و بی‌رنج به سوی کار بی‌رنج تمایل پیدا کرده و کار پرنج را ترک خواهد گفت (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۳، صص. ۲۰۱-۲۰۲). در اثر این نوع تغییر، تطور مصادیق پول، به گونه‌ای است که پایه و اساس اعتبارات پول ثابت است، ولی در ترکیب با «انتخاب اخف و اسهل»، به جهت تسهیل در امر مبادله، مصادیق مختلف پولی به مرور از پول فلزی به اسکناس‌های کاغذی و سپس به اعداد اعتباری و رمز ارزها ترقی یافتند. همان‌گونه که مشخص است، اصل اعتبار تبدیل در تمام مصادیق مختلف صادق است ولی نمود بیرونی آنها به واسطه راحتی و آسودگی بیشتر تغییر می‌یابد. البته برای این تغییر، نظرات متفاوتی وجود دارد ولی چون در این سبک از بحث، سعی می‌شود تغییرات به عوامل درونی ارجاع داده شود، فقط به یک تحلیل پرداخته شده است.

۲-۲-۲-۳-۴. تغییر چهارم: حقیقت‌نما شدن و اصالت پول

تغییرات اعتباری لزوماً موافق با منشأ حقیقی رخ نمی‌دهد، بلکه ممکن است یک امر اعتباری از موافقت با منشأ اولیه خارج شده و جلوه «حقیقت‌نمایی» پیدا می‌کند و در عرض سایر معانی حقیقی قرار گیرد. حقیقت‌نما شدن این امر محلی برای بنای سایر اعتباریات پنداشته می‌شود. به عبارت دیگر «حد و حکم امور اعتباری حاصل از این تغییر مانند امور حقیقی، به سایر امور تسری داده می‌شود. در اثر این تغییر، اعتبار مذکور به وضعیت لا علی التعمین در می‌آید» (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، ص. ۳۵۵). تفاوت مهمی بین اعتباری که جلوه حقیقت‌نمایی پیدا کرده و سایر حقایق وجود دارد. از این جهت که مبتنی بر حقیقت اصیل، اعتبار معینی وضع می‌شود ولی مبتنی بر اعتبار حقیقت‌نما، به نحو نامعین، اعتبارات متعددی وضع می‌شوند. در اثر این تغییر، چنان تصور می‌شود که پول به نحو نامعین هر کمالی را محقق می‌سازد و متعین به هیچ قید و شرطی نیست. به بیانی ساده‌تر، وقتی افراد پول اعتباری را جدی می‌گیرند، ارزش پول در چشم آنها از حد ابزاری برای رفع نیازهای انسانی فراتر رفته و به هدف تبدیل می‌شود؛ آنگاه به عنوان یک نهاد ضروری، مطلق و دائمی اقتصاد تلقی می‌شود.

تحلیل پول از حیث وجودی، در دو مکتب ایده‌آلیسم و رئالیسم، در بیان گذشت. نگاه ایده‌آلیستی زیمِل، متأثر از اندیشه‌های کانت، بین سوژه و ابژه تفکیک بنیادین قائل است ولی اصالت به سوژه داده می‌شود؛ یعنی ذهن و عین با رویکرد سوپژکتیو تحلیل می‌شوند. اما در نگاه رئالیستی علامه طباطبایی، چنان تفکیکی بین ذهن و عین مطرح نیست و اساساً اصالت به واقعیت داده می‌شود و با نگاه واقعیت‌گرایی، موجودات به دو قسم حقیقی و اعتباری تقسیم می‌شوند و نمود شناختی آنها منجر به دو سنخ شناخت حقیقی و اعتباری می‌شود. در ادامه سعی می‌شود، مبتنی بر تحلیلی که از پول در دو مکتب مذکور ارائه گردید، به پدیده خلق پول پرداخته شود. توجه به حیث وجودی پول از دو جهت شناخت و حل مسأله خلق پول مؤثر خواهد بود.

۲-۲-۳. خلق پول در تحلیل پدیدار پول از حیث وجودی

یکی از پدیده‌های مسأله برانگیز در دنیای اقتصاد، خلق پول است. عده‌ای خلق پول را بسیار ضروری و لازم می‌دانند و عده‌ای نیز آن را باعث ایجاد یا تشدید نوسانات و بی‌ثباتی اقتصادی می‌دانند (Maurice, 1999, p. 183). عموماً عامل اصلی این پدیده را بانک می‌دانند. در این راستا سه رویکرد عمده به تعریف بانک وجود دارد: در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی رویکرد متعارف غالب، بانک را در نقش «واسطه مالی»^{۲۸} در نظر داشتند که منابع را جمع‌آوری نموده و تخصیص می‌دهد. بین دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ نگاه غالب، بانک‌ها با تجویز بانک مرکزی قادر به خلق اعتبار مبتنی بر ذخیره جزئی بودند. در دو دهه ابتدایی قرن بیست ادعای متفاوتی مطرح می‌شود که بانک را به عنوان یک واسطه مالی نمی‌داند، بلکه بانک نهادی است که از هیچ وام می‌دهد؛ یعنی ابتدا اعتبار خلق می‌کند سپس به دنبال جذب سپرده می‌باشد. در این نگاه، بانک قادر به خلق اعتبار از «هیچ» می‌باشد (Werner, 2014, p. 2).

مطابق رویکرد سوم بانک با سازوکار اعتباری خود، بدون هیچ‌گونه قدرت خرید در بازار قادر به قدرت خرید مؤثر می‌شود و یا هر لحظه اراده کند به پول نقد دسترسی خواهد داشت (Allais, 1999, pp. 63-64)؛ گویا از عدم، پول خلق می‌شود. چنین توان معجزه‌آسایی فقط با «پول اعتباری محض» رقم می‌خورد. این اقدام بانک همواره موافقان و مخالفانی داشته است. از جمله افرادی که قائل به توانایی بانک در خلق پول هستند می‌توان جان لا^{۲۹} (۱۷۰۵)، جیمز استوارت^{۳۰} (۱۷۶۷)، آدام اسمیت^{۳۱} (۱۷۷۶)، هنری تورنتون^{۳۲} (۱۸۰۲)، توماس توک^{۳۳} (۱۸۳۸) و آدام مولر^{۳۴} (۱۸۱۶) را نام برد (Werner, 2014, p. 3). در مقابل، افرادی نیز مخالف این اقدام بوده و بانک را واسطه وجوه می‌دانند. از میان آنها اله^{۳۵} (۱۹۹۹، ص ۱۹۸)، خلق پول از طریق سازوکار اعتبار را یک نوع تقلب می‌دانند. این مخالفان، در راستای جلوگیری از انتظار بی‌رویه اسکناس توسط بانک‌ها، قانون الزام تبدیل اسکناس به سکه را وضع نمودند که در سال‌های ۱۷۹۷ تا ۱۸۲۱ در انگلستان به «شمش گرایان»^{۳۶} شناخته می‌شدند (Laidler, 1992, p. 255). تا پیش از وضع این قانون، جنگ با ناپلئون، هزینه‌های بسیار را بر دولت انگلستان تحمیل کرده و به تبع آن ذخایر طلا و نقره آن به شدت کاهش یافته و در عوض اسکناس بانکی

فراوانی توسط بانک‌ها منتشر شده بود (Chown, 1994, p. 147). علت اصلی رکود بزرگ ناشی از این واقعه را می‌توان از جمله اثرات مضر سازوکار اعتباری پول دانست (Maurice, 1999, p. 42).

آن‌چنان‌که مشخص است مدافعان و مخالفان خلق پول، در تعریف بانک اختلاف نظر دارند. به عبارتی این دو جبهه در کارکرد ناشی از یک ساختار اقتصادی (بانک) متعارض هستند. اما تدقیق و تعمیق بر این موضوع، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که ریشه اصلی خلق پول در بانک نیست. باینکه وقوع عینی و سازوکار اجرایی آن توسط ساختار بانک انجام می‌شود ولی منشأ آن را باید در جای دیگری جستجو نمود. با توجه به تحلیل حیثیت وجودی پدیدار پول، آن‌گونه که هر تغییر و تحول پولی ناشی از تغییرات اعتباری برآمده از نفس انسانی (در بیان علامه طباطبایی) و یا در نسبت با سوژه و ابژه (در بیان زیمل) تحلیل شد، خلق پول نیز باید به همین سبک تحلیل شود.

طبق تحلیل علامه طباطبایی (ره)، در چارچوب حقیقت و اعتبار، وقتی پول از منشأ حقیقی خود منفک می‌شود و شأن حقیقت‌نمایی می‌یابد، یا طبق تحلیل زیمل، در چارچوب تردد بین ذهن و عین، وقتی پول وجه مادی خود را همچون پوسته‌ای ناکارآمد وامی‌نهد و به تدریج هیچ‌گونه نمود بیرونی نخواهد داشت، در نتیجه این تغییر، گویا پول به «هیچ» تبدیل می‌شود. حال‌که پول به هیچ تبدیل می‌شود، بانک می‌تواند هیچ را از هیچ خلق کند؛ آن‌گونه که ورنر (۲۰۱۴) با رویکرد تجربی خود نشان می‌دهد که هر بانک به تنهایی قادر به خلق از هیچ (Ex Nihilo) می‌باشد؛ یعنی می‌تواند اعتبار و پول را از عدم، خلق کند. در واقع بانک پول موجود را وام نمی‌دهد بلکه پول جدیدی خلق می‌کند.

وقتی از حیث وجودی به پدیده خلق پول بنگریم، راه‌حل‌های ارائه‌شده را نیز باید از این نگاه مورد تحلیل قرار داد. تاکنون مکاتب مختلف، راه‌حل‌های گوناگونی را برای خلق پول ارائه نموده‌اند؛ در طیفی از راه‌حل‌ها ذخیره صددرصدی نزد بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود که بانک صرفاً امانت‌دار سپرده‌های مردم بوده و قدرت خلق پول تنها در دست دولت باقی می‌ماند و از این طریق سعی می‌شود، اقتصاد در شرایط متعادل نگه‌داشته شود، اما با تبیینی که در این پژوهش از مسأله ارائه شد، لزوماً با قاعده‌گذاری و محدود کردن بانک‌ها، نمی‌توان به‌طور کامل از خلق پول فزاینده جلوگیری کرد. اگرچه در این

راه‌حل‌ها، نهادی مانند بانک فعلی مطرح نیست ولی همچنان پول در اقتصاد جاری است و از آنجاکه خاصیت خلق‌شوندگی درون پول اعتباری نهفته است و راه‌حل مذکور کفایت نمی‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پول به قدری گسترش یافته است که بیش از اینکه در فرم یک شیء مورد نیاز، تشخیص یابد و نیاز به آن شیء احساس شود، نیاز ضروری به خود پول احساس می‌شود و به یک باور دائمی تبدیل شده است. چه تعریفی از پول می‌تواند این واقعیت مذکور را توضیح دهد؟ آیا آن را با روش علمی در نگاه کمی، بر اساس اندازه‌گیری متغیرهای پولی می‌توان تحلیل نمود؟ در نگاه کمی با اندازه‌گیری مستقیم، صرفاً میزان پول با توجه به میزان نقدشوندگی محاسبه می‌شود و سایر متغیرهایی که تغییر شکل یافته‌اند، مانند نرخ بهره و نرخ تورم و... با اندازه‌گیری غیرمستقیم محاسبه می‌شوند. آیا روش علمی در نگاه کیفی، با تمرکز بر کارکردهای پول یا با در نظر گرفتن مصادیق مختلف آن در گستره تاریخ، ظرفیت تشریح مسأله فوق را خواهد داشت؟ اگر ادعا شود که برای تشریح آن واقعیت، نیازمند به تبیین ماهیت پول هستیم، دو نظریه متعارف ماهوی پول کالایی و پول اعتباری می‌توانند توضیح‌دهنده باشند؟

ابتدا، تعاریف متعدد پولی را به اختصار در ربط و نسبت با همدیگر به شکل یک نظام‌واره تشریح نمودیم و با نظر داشتن به سطح مواجهه هر کدام، در نهایت مشخص گردید که چه وجهی از تعاریف پولی، مغفول واقع شده است. توجه بدان وجه، ضمن سازگاری با سایر تعاریف، نکات آنها را در خود لحاظ کرده و تعریف جامع و شاملی را حاصل می‌کند. این تعریف به تحلیل سیر تکوین و تکامل پول می‌پردازد، به گونه‌ای که موضوعیت یافتن پول و ترقی وجودی آن را توضیح می‌دهد. البته این تحلیل از دو جهت دشواری خاصی دارد: از یک جهت، رویکرد تحلیل باید به وجهی از پول بپردازد که سوای از تعاریف رایج پولی، وجه وجودی پول را مدنظر قرار داده و تحلیل عمیق و دقیقی حاصل کند؛ از جهت دیگر، صرف توجه به وجه وجودی پول کفایت نمی‌کند، بلکه تحلیل باید از نقطه‌ای شروع شود که ضمن تبیین پیوسته و منسجم تکوین پول، تحولات

پولی توضیح داده و درنهایت، به تبیین گسترده‌گی پدیدار پول منجر شود. این تبیین در دو مکتب ایده‌آلیسم آلمانی و رئالیسم تشریح گردید.

تحلیل وجودی پول در مکتب ایده‌آلیسم آلمانی متکی بر اندیشه زیمیل است. نظریه او را می‌توان در چارچوب «تردد بین ذهن و عین» در چهار فاز ارائه کرد؛ طی دو فاز اول، ارزش خلق می‌گردد، سپس ارزش به‌مثابه یک مخلوق ذهنی در جسم پول ظهور می‌یابد. در نتیجه پول تکوین یافته و طی دو فاز بعدی، رشد می‌یابد. با روند رشد پول ابتدا، تعلق آن به وجه مادی کاسته می‌شود و از عرصه ابژکتیو فاصله می‌گیرد. با این انقطاع از ماده، مستعد می‌گردد که از یک‌سو به عرصه سوژکتیو رجوع عمیقی داشته و از سوی دیگر، در عرصه ابژکتیو ظهور مقتدرانه‌ای داشته باشد.^{۳۷} رجوع و ظهور مقتدرانه پول، ذهنیت و عینیت را به‌عنوان عرصه‌هایی نمایان می‌سازد که پول در آنها گسترش یافته است.

برای تحلیل وجودی پول در مکتب رئالیسم بر اندیشه علامه طباطبایی (ره) تأکید داشتیم و مبتنی بر نظریه اعتباریات، چارچوب «تردد بین حقیقت و اعتبار» در نظر گرفته شد. طبق این چارچوب، پول مفهومی اعتباری تعریف می‌شود که از اعتبار ملکیت معنا می‌یابد، ولی در اعتبار استخدام ریشه دارد. با سازوکاری که علامه طباطبایی (ره) برای تغییر اعتباریات در نظر می‌گیرد، تحولاتی که پول در دولایه حقیقت و اعتبار داشته است، بسیار قابل‌اهمیت است. پول با خروج از عرصه اعتباری خود به عرصه حقایق تجاوز می‌کند و گسترش می‌یابد تا اینکه در ذهن و باور و رفتار انسان رسوخ می‌کند.

پول با انقطاع از وجه مادی و یا خروج از عرصه اعتباری خود، تغییر بنیادینی در ظرفیت‌های آن صورت می‌گیرد؛ از جمله این تغییرات قابلیت خلق شوندگی است. پول پیش از آن قابلیت خلق شوندگی نداشته است ولی با این تحول، به راحتی می‌تواند از «هیچ» خلق شود. در باب تحلیل این قابلیت پول اعتباری، اظهارات بسیاری از جانب اندیشمندان بیان شده است و عموماً علل این پدیده را به امور فرعی نسبت می‌دهند؛ اما با توجه به تحلیل پول از حیث وجودی و تفسیر تکوین و تکامل آن، سعی شد، وجود اعتباری پول، به‌عنوان علت اصلی این پدیده تشریح شود.

1. Simmel
 2. Lawson
 3. Ingham
 4. Debt Discharging
 5. Purchasing Powers
 6. Unit of Account
 7. Medium of Exchange
 8. Store of Value
 9. Metallism
 10. Chartalism
 11. Knapp
 12. Georg Friedrich Knapp
 13. The State Theory of Money
۱۴. تفکیک مذکور این نتیجه را در پی دارد که مدعای چارتالیست‌ها نیز می‌باشد: «بین پول‌های فلزی (طلا و نقره) و پول مدرن تفاوت ماهوی وجود ندارد» (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۴، صص. ۱۱۸-۱۱۹).
۱۵. باید دقت داشت که در بررسی تکوین وجودی پول، اجتماع را به‌عنوان «مبدأ شناخت» قرار نمی‌دهیم؛ وگرنه اساس شکل‌گیری پول در اجتماع است و بیرون از اجتماع پول معنایی ندارد.
16. Kant
 17. Subject
 18. Object
 19. Reality
 20. Value
 21. Order of Value
۲۲. لازم به ذکر است که سوپژکتیویته در اینجا، به «ادراک من» از کل جهان بازمی‌گردد؛ این خصلت به سوژه‌ای نسبت داده نمی‌شود که همه اعیان را در بر می‌گیرد، بلکه سوژه‌ای است که با اعیان رویارو می‌شود و ارزشی به هر عین نسبت می‌دهد.
۲۳. براساس همین ویژگی، ممکن است، ابژه واحدی نزد یک نفس، بیشترین ارزش و نزد دیگری کمترین ارزش را داشته باشد.
24. Suprasubjective
 25. Sequence of Ends
 26. Sachs
۲۷. رسم کردن
28. Financial Intermediary
 29. John Law
 30. James Steuart

31. Adam Smith
32. Henry Thornton
33. Thomas Tooke
34. Adam Müller
35. Allais Maurice
36. Bullionist Controversy

۳۷. شاید بتوان برای بروز و نمود بیرونی این تحلیل، زمانی را اختصاص داد، ولی در کل، معطوف به زمان نیست، یعنی دقیقاً زمان‌مند نیست و نمی‌توان بازه زمانی مشخصی را برای آن در نظر گرفت، چراکه وقایعی که در نفس انسان صورت می‌گیرند، اصولاً زمان ندارند.

کتابنامه

- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۴). *تحلیل ماهیت پول*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی (۱۳۹۴). *ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی* (رساله دکتری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- زیمل، گئورگ (۱۳۹۷). *فلسفه پول* (شهناز مسمی‌پرست، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه (نشر اثر اصلی ۱۹۹۰).
- سبحانی، حسن؛ و درودیان، حسین (۱۳۹۴). *ارزیابی انتقادی رویکردهای موجود در هستی‌شناسی پول؛ ارائه تفسیری بدیل*. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۵(۵۷)، ۱۱۳-۱۳۶.
- سبحانی، حسن؛ و قائمی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۵). *پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (ره)*. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۳)، ۶۹-۸۹.
- طالب‌زاده، سیدحمید (۱۳۸۹). *نگاهی دیگر به ادراکات اعتباری، امکانی برای علوم انسانی*. *فصلنامه جاویدان خرد*، ۵(۱۷)، ۲۹-۶۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۰). *بدایة الحکمة*. (علی شیروانی مرندی، مترجم). قم: الزهراء.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۱). *المیزان فی تفسیر القرآن* (جلد ۸). قم: اسماعیلیان.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۰). *تاریخ فلسفه* (جلد ۴). (غلامرضا اعوانی، مترجم). تهران: سروش.

کميجانی، اکبر؛ عربی، هادی؛ و توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۱). بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب دربار ماهیت پول. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۷(۵۱)، ۱۳۷-۱۵۵.

مارکس، کارل (۱۳۹۴). سرمایه (نقد اقتصاد سیاسی) (حسن مرتضوی، مترجم). تهران: لاهیتا.
مجاهدی مؤخر، محمد مهدی؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ و صمدی، رسول (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱(۶۵)، ۲۰۱-۲۳۰.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). مجموعه آثار استاد شهید مطهری (جلد ۶). قم: صدرا.
- Allais, M. (1999). *La Crise Mondiale D'aujourd'hui: Pour de Profondes Réformes des Institutions Financières et Monétaires*. FeniXX.
- Balnaves, M., & Caputi, P. (2001). *Introduction to Quantitative Research Methods: An Investigative Approach*. Sage.
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2011). *the Sage Handbook of Qualitative Research*. Sage.
- Fisher, I. (2006). *The Purchasing Power of Money: its' Determination and Relation to Credit Interest and Crises*. Cosimo, Inc.
- Flick, U. (2014). Mapping the Field. *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*, 1-18.
- Graziani, A. (2003). *The Monetary Theory of Production*. Cambridge University Press.
- Haig, B. D. (2014). The Philosophy of Quantitative Methods. *The Oxford Handbook of Quantitative Methods*, 7.
- Ingham, G. (1996). Some Recent Changes in the Relationship between Economics and Sociology. *Cambridge Journal of Economics*, 20(2), 243-275.
- Kant, I. (1965). *Critique of Pure Reason* (NK Smith, Trans.). New York: St. Martins. (Original Work Published in 1787).
- Knapp, G. F. (1924). *The State Theory of Money*. McMaster University Archive for the History of Economic Thought.
- Laidler, D. (1992), Bullionist Controversy, in the New Palgrave Dictionary of Money & Finance, edited by Newman, P. and et al, London: the Macmillan Press Limited, I, 255-261.
- Michell, J. (1999). *Measurement in Psychology: A Critical History of a Methodological Concept* (Vol. 53). Cambridge University Press.
- Mishkin, F. S. (2011). Over the Cliff: From the Subprime to the Global Financial crisis. *Journal of Economic Perspectives*, 25(1), 49-70.
- Rossi, S. (2007). *Money and Payments in Theory and Practice* (Vol. 39). Routledge.

- Simmel, G. (1990). *The Philosophy of Money*. (D. Frisby, trans). London & New York: Routledg.
- Werner, R. A. (2014). Can Banks Individually Create Money out of nothing? The theories and the Empirical Evidence. *International Review of Financial Analysis*, 36, 1-19.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی